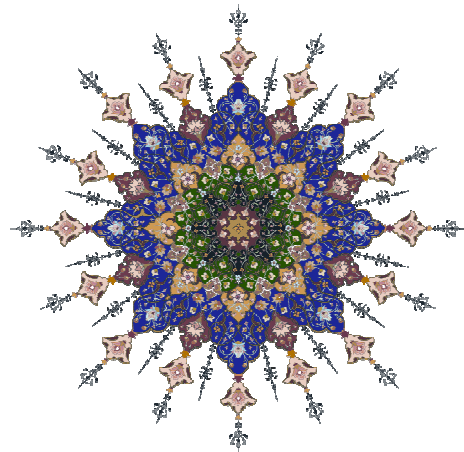




رسم منزلها

بازخوانی روایات اخلاق جمعی



خواهید بود. آنگونه خود را به صفات زیبا مزین کنید که چون بگویند فلائی جعفری است حق ما ادا، شود؛ چونان اصحاب علی، که اماندارترین و صادق‌ترین قبیله خویش بودند، آنچنانکه مردم به هر که چنین بود می‌گفتند گویا شیعه علی است.

و نیز طبرسی در مشکات الانوار حدیث می‌کند از امام صادق علیه السلام که: هر که در صدهزار مردم، از همه خوشنام‌تر به اخلاق نباشد شیعه ما نیست.

و نیز در حدیث دیگری حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: هیچ کس از مردم بی‌نیاز نیست پس بر شما باد به خوشرفتاری کردن با ایشان. و نیز روایت است که مردم را با عمل خویش نه با زبان، به حق دعوت کنید.

در غیبت نعمانی حضرت علیه السلام در ضمن حدیثی می‌فرماید: خداوند رحمت کند بنده‌ای را که موث و دوستی مردم را به سوی خود و بسوی ما می‌کشد. و نیز در همان کتاب از یکی از معصومین نقل شده است که: کاری کنید که مردم شما را دوست بدانند زیرا آنها که دوستی شما شیعیان را به دل گرفته‌اند همراه شما وارد بهشت خواهند شد، هر چند ندانند که عقاید شما چیست؛ و مردم را جهنمی مسازید زیرا آنان که بغض شما را در دل دارند وارد جهنم می‌شوند هر چند ندانند که عقائد شما چیست.

و نیز در احادیثی از اهل بیت عصمت و طهارت رسیده است که با مردم مدارا کنید به این نحو که، آن چیزی را که کراهت دارند بر آنها تحمیل نکنید و از آنچه قدرت فهم آنرا ندارند با آنها سخن مگویید که دشمن شما می‌شوند.

اگر شیعیان به راستی عامل به این کلمات باشند، خود بخود تفاوت مکتب اهل بیت علیهم السلام با سائر مکاتب آشکار شده، قلب‌های دیگران به سوی دین حق متمایل می‌گردد.

خیشمه گفت امام صادق علیه السلام به من فرمود: سلام مرا به دوستان ما برسان و آنها را به ترس از خدا و عمل صالح سفارش کن، بیماران را عیادت و فقیران را توجّه کنند و در تشییع جنازه مردگان حاضر شوند، به خانه‌های یکدیگر روند و در امور دین با یکدیگر گفتگو کنند. زیرا رعایت این امور باعث جاودانگی آیین ماست و خدا رحمت کند کسی را که آیین ما را جاودانه می‌کند. به ولایت و دوستی ما نائل نمی‌شوند مگر به ورع و پرهیزگاری.

حبيب ختمی گوید امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست بدارید برای مردم آنچه را که برای خودتان دوست می‌دارید».

این روایت که توصیف **الاصاف** است، به اسناد مختلف و از امامان مختلفی نقل شده است؛ و مضمون آن «پایه و اساس» اخلاق است و ناظر به این حقیقت است که حسن و قبح افعال، توسط خود انسان یافتنی است و انسان صرف‌نظر از شرع، زشتی و زیبایی را وجدان می‌کند و در اینگونه موارد دستورات شرع به منزله *ارشاد و تذکر* به احکام وجدانی عقل است. اخلاق به خط و کاغذ به رشته تحقیق در نمی‌آید و آنچه در این زمینه گفته شده یا تحریر گشته است بیان بعضی مصادیق و یافته‌هاست، آنچه هر کس در صفحه وجودش می‌یابد. و اگر باز هم بکاود، باز می‌یابد و هر چه بیشتر از خویشان خارج شود صاف‌تر می‌یابد و هر چه صاف‌تر شود بیشتر می‌یابد و بهتر. احادیث نورانی اهل بیت علیهم السلام نیز بیان حال و لبّ مقال آن کسانی است که در اوج صفا و قلّه عمل بوده‌اند، محمل‌های علم و مشیّت خداوند و الگوهای بارور.

مُرازم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: خداوند در قرآن می‌فرماید: *قولوا للناس حسناً* یعنی با مردم به خوبی معاشرت کنید و در جماعاتشان حاضر شوید تا آنچه میان شما و آنان متفاوت است مشخص شود.

و نیز در حدیث دیگری حضرت علیه السلام فرمود: زینت ما باشید، اگر صلّه رحم را ترک کنید و در تشییع جنازه‌ها شرکت نکنید و به عیادت بیماران نروید و نیز خوش‌خو و امانت‌دار نباشید، مایه اندوه و ننگ ما

و نیز در حدیث دیگری حضرت باقر علیه السلام می فرمایند: **به شیعیان ما برسانید که بین ما و خداوند قرباتی نیست، به شفاعت ما نمی رسد جز آنکه با تقوی باشد.**

کنیربن علقمه گوید امام صادق علیه السلام مرا به اخلاق سفارش فرمود. سپس فرمود: **رسول خدا (ص) برای همین منظور مبعوث شد، با اعمالتان ما را در نزد مردم عزیز و محبوب گردانید و آنها را دشمن ما نسازید.** و نیز این حدیث شهرت روایی دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: **مبعوث شدم تا مکارم اخلاقی را تمام کنم.**

و نیز از علی علیه السلام مروی است که: **باید در قلب تو نیاز به مردم، که علامتش نرمی در گفتار و خوش رفتاری با آنهاست؛ با بی نیازی از آنها که علامتش پاکدامنی و عزت است، جمع شود.**

این حدیث به خوبی گواه آن است که بعضی رفتارها، که از بعضی اصحاب سلوک و راهرفتنگان دیده می شود و از آن بوی بی اعتنائی به بندگان خدا به مشام میرسد، اعمالی زشت و ناشایست بوده و مورد تأیید اهل بیت علیهم السلام نمی باشد. همین بی تعادلی در رفتار جمعی ناظر بر این است که سلوک چنین فردی به فرجام نرسیده و راهی توسط او طی نشده است.

امام باقر علیه السلام فرمود: **اگر می توانی بر کسانی که با آنها معاشرت می کنی تفوق داشته باشی چنین کن.**

تفوق بر دیگران با احسان نسبت به ایشان و گشاده رویی به آنها و مطلع بودن از مشکلاتشان و سعی در رفع حوائج ایشان میسر می شود. رعایت خلق و راهبری ایشان، کرم و بزرگواری است. و این حاصل نمی شود، جز آنکه انسان ایشان را از صمیم قلب دوست بدارد و نسبت به ایشان مشفق باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: **«خود را برای خوش رفتاری با همشین خود آماده کن، خلق و خوی را نیکو گردان و زبانت را نمدار و خشم را فرو بر، و سخنان بیهوده را رها کن، عفو را پیشه ساز و تشنه باش.»**

گوئیم این حدیث از آن رو که به ریشه های اخلاق عملی پرداخته حائز اهمیت است. **کم سخنی موجب تحیب قلوب و خود، عبادت است.** بسیاری از رنجش ها از بیهوده سخن گفتن یا سخن بیهوده گفتن حاصل می شود. آنکه سخنش زیاد باشد، دشمنانش فزونی گیرند و دوستان واقعی از گرد او برخیزند. شهوت کلام ریشه در نفس امّاره داشته،

معلول نقصان توحید است. آنکه خدا را نیافته به این و آن انس می گیرد و آنکه خدا را نشاخته برای تحصیل منفعت، به جلب رضایت این و آن مشغول است. البته مزاح و مسرور کردن مؤمنان ممدوح است؛ چنانکه در حدیث است که، **مؤمنی نیست جز آنکه در او مزاح است.** اما انسان باید در خود تعمق کرده، بیابد که کلامش از شهوت سخن گفتن برخاسته یا اینکه ریشه در مودت با دیگران دارد. این مقبوح و آن ممدوح است.

در حدیث است که **«البلاء مَوَكَّلٌ بالمنطق، یعنی تا مرد سخن نگفته، از بلاء محفوظ است.** امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: **«واستر ذهابک و ذهابک و مذهبک، یعنی سرمایه و مسیر و هدف خویش را پنهان کن.** و نیز همان حضرت فرمود: **آشکار کردن امر، قبل از آنکه محکم شود سبب تلاشی آن است.**

و نیز در حدیث است که **سکوت، عیوب را می پوشاند و در برابر دشمن بسان زره است.**

آری براسق با آن که از او چیزی نمی داند، نمی تواند دشمنی کنند؛ و به آن که از او چیزی نمی داند به دیده عظمت و تحیر می نگرند. در حدیث است که معصوم علیه السلام فرمود: **آنکه می خواهد از جهنم نجات یابد، زبان خویش را نگه دارد.** بزرگان اخلاق اذعان کرده اند که اکثر گناهان در اثر زبان است. بی توجهی به اینکه چه می گوید، به که می گوید، و چرا می گوید، همواره آفت آفرین است. چه دها، که به سخن بیهوده می شکند و چه حسادتها که بر می انگیزاند و چه عیوب که خداوند پوشانده، آشکار می سازد. چه تهمت ها و چه غیبت ها و بدتر از همه چه دروغ ها که ناآگانه از او صادر می شود.

فرو بردن خشم در ظاهر و **عفو نمونون** اشخاص در باطن، یعنی اینکه از ته قلب آنها را ببخشد و کینه ای از آنها به دل نگیرد، به ایشان حق دهد و رحمت خداوند را نسبت به ایشان دور نداند. اینگونه نباشد که اگر خود لغزشی کرد و بد خلقی مرتکب شد به خود حق دهد، امّا اگر از دیگران لغزشی دید یا حقی توسط آنها از او پایمال شد ایشان را مستحق عذاب خداوند و بدور از رحمت بداند و در ذهن برای ایشان خطّ و نشان بکشد و آنها را به نکبت و فقر حواله دهد.

در حدیث است که **نفرین اگر جای حقی نیابد به صاحبش باز گردد و خود او را گرفتار کند.** و باز در حدیث است که **نفرین تاریکی**

می آورد همان گونه که دعا در حق دیگران، خود انسان را صافی و نورانی می کند.

و نیز مجرب است که اهل لعن و نفرین، خود به فقر و نکبت دچار می شوند. این مطلب نسبت به هر باطن ناپاک و شرخواهی صادق است، یعنی آن که نیتش برای دیگران خیر نیست، خود به شرور بافیده برای دیگران و افکار منفی که برای آنها پرداخته، گرفتار می شود.

بخشش به دیگران که با انفاق کردن به آنها یا هدیه دادن محقق می شود، صرف نظر از آنکه از کرم جوشیده و خود باعث ازدیاد کرم در انسان است، نقش اساسی در تحبیب قلوب و از میان رفتن کینه های پنهان دارد، چه آنها که در دل مُتفق است و چه آنها که در دل دیگران است. چنانکه در حدیث است که هدیه ها کینه های قلوب را از میان می برند.

کم سخنی، عفو نمودن و انفاق نمودن که در حدیث عنوان شده بودند، سه راه کار اساسی و پر فایده اند.



ابوریع شامی از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: از ما نیست آن که به هنگام خشم بر خود مسلط نباشد و کسی که با یارانش بخوبی رفتار نکند و به آنان که با او خوش اخلاقی کرده اند خوش خلقی نشان ندهد و رعایت حق نمک را ننماید. گوئیم تلافی کردن خوبی با خوبی، حُسن خلق و خود شکر منعم است.

در حدیث است که به آنکه به شما اقبال کرده است اقبال کنید و سنگین سری ننمائید. و نیز در حدیث است که ائمه علیهم السلام اندک احسانی را فراموش نمی کرده تا آخر عمر به کرامت و عظمت از آن یاد می کردند، نمکدان شکن نبوده و گذشته ها را از یاد نمی برده اند.

امام باقر علیه السلام فرمود: زائر خانه خدا اجر و پاداشی ندارد اگر این سه خصلت در او نباشد: تقوایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد، حلمی که به وسیله آن جلوی غضبش را بگیرد و با همنشینش بخوبی رفتار کند. همین حدیث به سند دیگری در کافی و نیز من لایحضره الفقیه از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که هر که چهل قدم با مؤمنی همگام باشد خدا از حق او در قیامت سوال می کند. از این حدیث بر می آید که مسافران باید پس از سفر نیز از حال هم جويا بوده نسبت به هم بی مهری نکنند، چنانچه در ادامه همین حدیث حضرت صادق علیه السلام مفضل را به این دلیل که از رفیقش بی خبر است و حتی جای خانه او را نمی داند توبیخ می کند.

سید رضی در نهج البلاغه از حضرت امیر علیه السلام نقل می کند که چنان با مردم معاشرت کنید که اگر از آنها دور شدید مشتاق دیدار شما باشند. عربی بادیه نشین از بنی تمیم به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و خواستار نصیحت شد حضرت به او فرمود: به مردم اظهار دوستی کن تا تو را دوست بدارند. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام اظهار محبت و دوستی نسبت به مردم نیمی از عقل دانسته شده است. همین مضمون از حضرت صادق علیه السلام به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز روایت شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: هر یک از شما که برادر دینی خود را دوست دارد، این دوست داشتن را به او اعلام کند. از این روایات دانسته می شود که مسلمان باید دوستی و محبتش را نسبت به مردم کتمان نکند بلکه صریحاً ابراز نماید.

این، غیر از وظیفه خوشرویی است که نسبت به همه باید رعایت شود. زیرا بسیار است که انسان محبتی نسبت به بعضی در دلش نمی یابد اما موظف است با ایشان خوشرو باشد. البته خوشرویی خود سبب تحصیل محبت دو طرفه و خالص گشتن آن می باشد.

چنانکه در حدیث است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود سه چیز دوستی را خالص می گرداند: خوشرویی، جا دادن در مجلس و اینکه برادرت را با بهترین نامها بخوانی. باز، امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که کسی را دوست داری او را از این امر با خبر کن زیرا باعث استواری محبت بین شما می گردد.

مدارا کردن: از جمله اموری که نه از اخلاق حسن بلکه بالاتر از آن یعنی در زمره مکارم اخلاق (یعنی قلّه های بلند اخلاق) است مدارا کردن است. این سجّیت اخلاقی علاوه بر آثار بسیار دنیوی - بطوریکه در احادیث نیمی از عشرت دانسته شده - بدلیل صبر و تحمل بسیاری که می طلبد، دارای آثار درخشان روحانی است.

بعضی علماء اخلاق گفته اند مدارا آن است که دشمنی دیگران نسبت به خود را به روی خود نیاوری و در ظاهر آنها آشکار نکنی، یعنی

و نیز از فروغ مدارا کردن، چشم پوشی است از خطاهای دیگران و نادیده گرفتن آن. ضحاک بن مخلد گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که: انصاف نیست که از دوستان، عدالت کامل را انتظار داشته باشید. در حدیث است که اگر دوستی از تو به امارت رسید و یک دهم سابق به تو توجه کرد دوست بدی نیست. آن حضرت علیه السلام فرمود: از نشانه‌های تواضع است که مجادله و بگو مگو را رها کنی اگر چه حق با تو باشد. عمرو بن عکرمه گوید به حضرت صادق علیه السلام گفتم: همسایه‌ای دارم که مرا اذیت می‌کند؛ فرمود: با او مهربان باش. عبد صالح، امام کاظم علیه السلام فرمود: قسمتی از حسن خلق، تحمل آزار دیگران است.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مؤمن بر قلعه کوهی باشد خداوند کسی را می‌فرستد تا او را اذیت کند و در عین حال او را با ایمانش مانوس می‌کند که از هیچ کس وحشت نداشته باشد. سپس حضرت علیه السلام فرمود: اذیت کننده‌ی بعضی درون خانه آنها و بعضی در همسایگی ایشان و بعضی بر سر راه برآمدن حوائج مؤمنان است. در حدیث دیگری قریب به این مضمون حضرت علیه السلام می‌فرماید: در عالم نبوده و نمی‌باشد و نخواهد بود مؤمنی مگر اینکه همسایه‌ای باشد که او را اذیت می‌کند گرچه مؤمن به جزیره‌ای از جزایر بگریزد.

مروی است فردی چند بار به خدمت پیامبر آمد و از همسایه شکایت کرد. پیامبر همچنان فرمود: صبر کن. به سند دیگری از امام صادق علیه السلام روایت است: اگر مؤمن در قلعه کوهی باشد خداوند برای آزار او کسی را می‌فرستد تا از این طریق پاداشی از جانب خداوند به او برساند.

خداوند در قرآن می‌فرماید "و جعلنا بعضکم لبعض فتنه اتصبرون" یعنی بعضی از شما را فتنه دیگری قرار می‌دهیم آیا صبر می‌ورزید؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از زمانی که مادر مرا زاید، پیوسته مظلوم بودم تا آنجا که عقیل برادرم مبتلا به درد چشم شد و می‌گفت: در چشم من دوا نریزید، مگر اینکه در چشم علی هم دوا بریزید، در صورتیکه چشم من درد نمی‌کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس دنیايش گوارا و بدون گرفتاری باشد، در دین او شک کنید.

در یکی از ادعیه ماه رمضان است که «خداوندا مرا بالا ببر با پائین بردن هر آنکه از خلقت که می‌خواهی و مرا وسیله بالارفتن اولیای تو قرار مده، امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو نفر که با

بدی‌های ایشان را بی‌پاسخ بگذاری. در حدیثی از امام صادق علیه السلام از معنای مدارا پرسیدند حضرت فرمود: یعنی بدی‌های ایشان را با خوبی جواب گویی.

آنچه امام علیه السلام فرموده به مراتب، بلند مرتبه‌تر از آنست که نخست در تعریف مدارا عنوان شد. قرآن کریم می‌فرماید "بدی را با خوبی (احسن) پاسخ گو، تا آنکه دشمن توست مانند دوست صمیمی گردد، و به این فضیلت نمیرسند جز صابران و به این فضیلت نمیرسند الا آنانکه دارای بهره فراوان (حظ عظیم) هستند."

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ما پیامبران، مأموریم به مدارا کردن همانگونه که مأموریم به ادای فریض. و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حلیم می‌رود که پیامبر شود.

انسان همواره با افرادی روبروست که عقائد و سلاطقی جدا از او دارند. شایسته نیست به مجرد اندک ناملامتی از کوره در رود و اندیشه‌های دیگران را تخطئه کند و نیز شایسته نیست اگر اندیشه خطائی در ایشان دید بی‌گدار به آب بزند و به جدل و جدال با ایشان برخیزد. بلکه باید چون پیامبران باشد که با مردم، تنها به میزان عقل ایشان سخن می‌گفتند و بر مستضعفین باری را تحمیل نمی‌کردند که طاقت برداشتنش را نداشته باشند. بلکه با محبت و نرمی و لطافت، اندک اندک قلوب ایشان را نرم و آماده قبول حق می‌کردند.

و البته تمام این وظائف بر گردن عالمان است. اما آن که در دین جاهل و آئینش تقلیدی از پدران و اساتید بوده است او البته باید ساکت باشد و از هر گونه بحث و مجادله با دیگران بپرهیزد، زیرا نه تنها سبب هدایت دیگران نمی‌شود بلکه با دلائل سست و واهی خود، ایشان را در باطل خویش قوی‌تر می‌کند و سنگ در چاه می‌اندازد که عقلاء بسیاری باید جمع شوند تا آنرا در آورند.

از اینرو در احادیث بسیاری، ائمه اطهار علیهم السلام کنیزی از شیعیان را از بحث و مجادله دینی بر حذر داشته‌اند و آنرا موجب قساوت قلب و انتشار کینه و عداوت شمرده‌اند. و تجربتاً نیز اینگونه است. بر عوام است که به تصحیح اعتقاد شخصی خود بپردازند و با مراجعه به منابع دینی، علم دین را صاف‌تر از قبل از دستان خود اهل بیت علیهم السلام تحویل بگیرند و از هر گونه بازی با نفوس دیگران بپرهیزند که اگر خرابی بیار آورند نکبت‌های دنیوی و اخروی اش بسیار است.

کرده نشناسد منافق است. و نیز در حدیث دیگری آنحضرت فرمود: هر کس پیروی را که مویش را در اسلام سفید کرده است احترام کند خدا او را از وحشت روز قیامت در امان دار.

گوئیم احترام بزرگان و بزرگ‌زادگان نیز مورد تأیید دین بوده و پیوسته به آن سفارش شده است. حجاج گوید از جمیل بن دراج پرسیدم درست است که رسول خدا ﷺ فرموده: هرگاه شرافتمند قومی به نزد شما بیاید او را احترام کنید. جمیل گفت: آری. حضرت صادق (علیه السلام) این را حدیث را تأیید کرده گفت: شریف قوم، آن است که دارای مال باشد و با آن کار شایسته انجام دهد. و نیز از رسول اکرم ﷺ نقل شده که: سخاوتمند قوم را گرامی دارد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنکه برای اشخاص، فضیلتی قائل نباشد در غرور است.

گوئیم: روایاتی که متضمن بی‌توجهی به خلق است مانند روایت ابوذر که از رسول الله ﷺ نقل می‌کند که: عبد به درجه توحید نمی‌رسد تا اینکه مردمان را چون شتران ببیند، یا روایت سید رضی از امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) که ایشان در توصیف متقین می‌فرمایند: **عظم الخالق فی اعینهم و صغروا دون ذلک**؛ همه نظر به دل مؤمن دارند نه اخلاق او؛ یعنی مؤمن چون به دیده توحیدی، مؤثری جز خدا نمی‌شناسد تا بدو دل بندد تا هراسناک باشد، ترس و امید به بندگان را از دل شسته و متکی به رحمت و غیرت حق در گوشه‌ای آرام نشسته است. پس برای او، انسانهایی که پناهگاه دیگران اند با شترانی که رعیت خداونداند و از خود نفع و ضرری برای خویش ندارند، برابرند و این حال قلب مؤمن است که «القلب حرم الله، فلا تُسکن فی حرم الله، غیر الله». اما همین مؤمن که حلقه بندگی حق در گردن انداخته، بدستور حق و از صمیم قلب به رعایای حق به دیده احترام و ادب می‌نگرد و حدود ایشان را پاس می‌دارد. چه، خود نیز رعیتی چون ایشان بلکه پست‌تر از ایشان است. و در نزد ارباب قلوب واضح است که آنکه تعادل را فاقد است، از توحید برکنار و مهجور است.

همانگونه که کرم و سخاوت ممدوح و پسندیده است، قبول اکرام و جود نیز مستحسن است. دو نفر بر علی (علیه السلام) وارد شدند، حضرت برای یکی تُشکی گسترده، یکی روی آن نشست و دیگری امتناع کرد. حضرت به او فرمود: روی آن بنشین زیرا هیچ‌کس از پذیرفتن احترام و

یکدیگر معاشرت می‌کند آن که نسبت به دوستش بیشتر مدارا می‌کنند اجرش بیشتر و در نزد خداوند گرامی‌تر است.

پیامبر ﷺ فرمود: مکارم اخلاق دنیا و آخرت پیوستن به کسی است که از تو بریده، بخشدین به آنکه محروم ساخت، گذشتن از کسی که بتو تم کرده، نیکی به آنکه بتو بدی کرده. این حدیث بخوبی مصادیق مدارا را بیان می‌کند و در اینکه آنها را مکارم اخلاق آخرت نیز عنوان کرده است لطائف بسیاری است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند گروهی را که دوست دارد گرفتارشان می‌کند، زیرا پاداش بزرگ در برابر بلا بزرگ است، پس چه زیباست صبر نمودن در برابر خشم. امام صادق (علیه السلام) فرمود: با مردم مدارا کنید تا کردار شما نزد آنان بزرگ جلوه‌گر شود و با آنان عداوت مورزید که خوار و زیون می‌گردید.

پیامبر ﷺ فرمود: خداوند از مؤمن پیمان گرفته که او را به چهار چیز یا یکی از آنها مبتلا سازد: حسد مؤمنان، تجسس منافقان تا نقطه ضعفی برای او بیابند، دشمنی از کفار که با او بستیزد، شیطانی که گمراهش نماید.

خلاصه کلام: انتظار بکام بودن دنیا ناجاست و دار، دار مُداراست. پیامبر ﷺ فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت خدایت سلام می‌رساند و می‌گوید: با خلق مدارا کن. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: مدارا کردن با مردم پس از ایمان به خدا، سرآمد عقل است. کسی که با هم‌نشینانش خوب معاشرت نکند خیری در او نیست و خداوند برای آنان که مجبورند با او معاشرت راه نجاتی قرار خواهد داد. آنگاه آنحضرت فرمود: دو جز، معاشرت نیکو با مردم، جلب محبت و نیکی کردن، و جز، سوم آن، در غفلت به سر بردن است.

از مطالب مهمی که در امر اخلاقی نباید از آن غافل بود احترام و بزرگداشت بزرگتران است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که به بزرگ ما احترام و به کوچک ما رحم نکند از ما نیست. و نیز آنحضرت (علیه السلام) فرمود: بزرگان خویش را احترام کنید و صلح‌رحم نمایید.

و نیز عبدالله بن سنان از آن حضرت حدیث کرد که: تجلیل از پیرمرد تجلیل از خداست. و نیز آنحضرت فرمود: هر کس به مؤمن پیر اهانت کند خدا قبل از مرگش کسی را می‌فرستد که به او توهین کند. گوئیم این احترام نسبت به علماء دین دو چندان می‌شود، چنانکه حضرت (علیه السلام) فرمود: آنکه حق کسی را که در اسلام مویش را سفید

احسان خودداری نمی‌کند جز الاغ؛ لا یرد الاحسان الا الحمار. نپذیرفتن احسان دیگران ریشه در غرور و خود بزرگ بینی انسان دارد.

آداب مجلس

آنچه از احادیث اهل بیت علیهم‌السلام در باب مجلس بر می‌آید این است که رعایت اموری، مستحسن و مورد توجه و اهتمام ایشان بوده است. من جمله آنکه، ایشان جای دیگران را در مجلس وسعت می‌دادند تا آنکه آسوده و راحت بنشینند، از راحتی خود، مایه می‌گذاشتند تا امر بر دیگران آسان باشد. بسیار جای تأسف است که بعضی افراد مذهبی هنگامی که بر سفره یا مجلسی که جا اندک است حضور می‌یابند خودخواهی کرده، سبقت گرفته و طوری می‌نشینند که راحت باشند و به راحتی دیگران اهمیت نمی‌دهند. یکی از اساتید ما می‌فرمود: "از همین سر سفره نشستن می‌توان به باطن افراد پی برد". و جالب است که انسان معمولاً می‌فهمد که اگر دو زانو بنشینند دیگران راحت‌تر می‌شوند، اما نفس، جَولان کرده مانع از عمل به این مهم می‌گردد. چه امتحان هر روزهای و چه شکست پیاپی‌ای در برابر نفس!

این مسئله که انسان دوست دارد آنرا بی‌اهمیت و ساده بداند، نزد خداوند آنقدر اهمیت دارد که صریحاً راجع به آن آیه نازل شده و از مؤمنین خواسته است که به دیگران جا بدهند و بر خود سخت گیرند تا جای دیگران در مجلس بازتر شود، خداوند نیز در عوض به آنها وسعت می‌دهد و تنگی را بر آنان برطرف می‌سازد.

آری! حق در همین زندگی به ظاهر عادی هر روزه، به راحتی پایمال می‌گردد و ما بدنبال امور بزرگ می‌گردیم. از رعایت همین دستورات روزمره است که مؤمن از فاسق و حاضر از غافل باز شناخته می‌شوند. راه رسیدن به لقاء خداوند از همین امور ساده و کوچک روزمره می‌گذرد. تجارت گاه اولیاء همین جاست؛ همین اموری که بی‌ارزش می‌دانیم، حال آنکه نزد خداوند عظیم است.

مستحب است که در مجلسی که جمع دوستان است، افراد را به عبارات احترام آمیز و القاب جلیل یاد کرد. مؤمن آنچنان پر ارج است که امام کاظم علیه‌السلام از اصحابش می‌خواست که یکدیگر را با کنیه که احترام آمیزتر است یاد کنند.

اخم کردن و با روی گرفته با مردم معاشرت داشتن مکروه و در احادیث بشدت از آن نهی شده است، تا جایی که امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: حتی اگر با یهودی (که به ظاهر دشمن توست) مصاحبت کردی، مصاحبتش را نیکو دار.

نه تنها در مجلس، بلکه هر گاه دو نفر با یکدیگر ملاقات می‌کنند مستحب است کلام را با **سلام** کردن آغاز کنند. امام صادق علیه‌السلام از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرد که: شایسته‌ترین مردم نزد خدا و رسولش کسی است که سلام را آغاز کند. در روایتی از امام سجّاد علیه‌السلام آغاز نمودن به سلام و سبقت گرفتن در آن از صفات مؤمنان دانسته شده است. حتی در بعضی از اخبار آمده است که آنرا که قبل از سخن گفتن سلام نمی‌کند جواب نگوید، یا او را به غذای خویش دعوت نکنید.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: فرشته‌ای مردی را بر در خانه‌ای دید. به او گفت چرا اینجا ایستاده‌ای؟ مرد گفت: نه بین ما خویشاوندی است و نه حاجتی به او دارم، تنها می‌خواهم برای پروردگار جهان به او سلام و صلوات کنم. فرشته به او گفت: من فرستاده خدایم به سوی تو، پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: مرا زیارت کردی و برای من تعهد نمودی، حتماً بهشت را بر تو واجب کردم و تو را از خشم خویش معاف داشتم و از آتش نجات دادم. و نیز در حدیث است که «سلام» از اسماء خداوند است که آنرا در بین بندگان به ودیعت نهاده است.

توجه به این نکته ضروری است که لفظ «سلام علیکم»، و جواب آن «علیکم‌السلام» که مستحب است «و رحمة‌الله و برکاته» نیز به آن افزوده شود، هر دو، جملات دعایی هستند یعنی گوینده، سلام الهی را برای مخاطب و مخاطب برای او خواستار می‌شوند. از اینرو سزاوارتر است که گوینده‌ی سلام و جواب دهنده، هر دو هنگام سلام کردن و جواب دادن از ته قلب، سلامت و امنیت طرف مقابل را از تمام آفات مادی و معنوی خواستار شوند و به معنای سلام و مفهوم عمیق آن توجه کنند و به علاوه اینکه این دعا را مانند تمام دعا‌های دیگر با خشوع و خضوع تمام در برابر درگاه الهی بجای آورند.

بنابراین سلام کردن علاوه بر اینکه امروزه بصورت یک ادب اجتماعی در آمده دارای اثرات حقیقی در عالم واقع می‌باشد. البته در صورتیکه با حضور قلب انجام شود.

«افشاء سلام» مستحب است و در وصیت پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه است که این عمل باعث پوشاندن گناهان می شود. در روایتی افشاء سلام اینگونه معنا شده که از سلام کردن بر هیچ مسلمانی بخل نورزد. گر چه بعضی آنرا «بلند سلام کردن» ترجمه کرده اند.

سلام کردن بر کودکان مستحب است. تبعیض در سلام بین فقیر و غنی در نحوه سلام کردن، بسیار زشت و در روایات از آن نهی شده است. چنانکه حضرت رضا رضی الله عنه فرمود: **هر کس فقیری را ملاقات کند و به گونه ای بر او سلام نماید که با سلام نمودن بر ثروتمند فرق داشته باشد، منتظر عذاب خداوند باشد.**

جواب دادن به سلام، واجب شرعی بوده و مستحب است به نحوی بهتر از آنچه به او سلام شده سلام را جواب گوید. باید طوری جواب دهد که حتماً مخاطب بشنود. اگر سلام کننده جوابی دریافت نکرد مستحب است سلام را تا سه مرتبه تکرار کند.

ابو کهمش گوید به امام صادق رضی الله عنه عرض کردم ابن ابی یغفور شما را سلام رساند. امام فرمود: **و علیک و علیه السلام**، یعنی بر تو و بر او سلام باد. هر گاه عبدالله را دیدی به او سلام برسان. سلام کردن به شخصی که در نماز است مکروه است اما اگر سلام شد، او واجب است جواب بدهد. در حدیث است که **سلام را کامل کنید، برای مقیم با دست دادن، و برای مسافر با در آغوش گرفتن**. مروی است که سزاوار است کوچک بر بزرگ و عابر بر نشسته سلام کند. و اگر یک نفر از گروهی سلام کند از همه کفایت می کند و نیز کافی است که یک نفر پاسخ دهد.

ربیع بن عبدالله از امام صادق رضی الله عنه نقل کرد: پیامبر ﷺ بر زنان سلام می کرد، اما امیرالمؤمنین سلام بر زنان جوان را ناخوش می داشت و می فرمود: **می ترسم که صدای ایشان مرا خوش آید و از اجرم کاسته شود.**

و نیز در روایات بسیاری دعا کردن در حین عطسه توصیه شده است، به اینکه به فرد عطسه کننده بگویند «یرحمک الله» و او نیز در پاسخ، دعا کرده می گوید: **«غفر الله لکم»**، در بعضی روایات این عمل از حقوق مسلمان بر برادرش دانسته شده. همانگونه که بر او حق است که هنگام مرض عیادتش کند، دعوتش را بپذیرد و در تشییع جنازه اش حاضر شود. در روایتی از حضرت رضا رضی الله عنه عطسه از جانب خداوند دانسته شده است. و امام کاظم رضی الله عنه فرمود: **گفتن «الحمد لله» در موقع**

عطسه شکر و سپاسی است برای نعمتهایی که شکر آنها را فراموش می کنیم، پس خداوند ما را با عطسه به شکر کردن متوجه می کند. و در حدیث دیگری از رسول اکرم ﷺ است که چون بنده چنین گفت ملائکه برای او طلب غفران می کنند. در بعضی دیگر از احادیث است که پس از گفتن «الحمد لله» صلوات را نیز به آن اضافه کند تا حق ما را نیز ادا کرده باشد.

و نیز ظرایف دیگری هست که در احادیث راجع به همین عمل به ظاهر کوچک آمده است اما مقال، گنجایش آنرا ندارد. توجه به این مطلب که عملی بظاهر چنین ساده چگونه می تواند با اندکی توجه نردبان تعالی انسان و بیاد خدا بودن بیاباش باشد، در خور توجه است.

ادامه آداب مجلس:

پیامبر خدا ﷺ فرمود: از جمله حقوق مهمان بر صاحبخانه آن است که صاحبخانه با آرامش و وقار در موقع ورود و خروج مهمان، چند قدمی با وی برود. و نیز رسول الله ﷺ فرمود: هنگامی که کسی به خانه برادر مؤمن خود وارد شود، تا زمانی که خارج شود صاحبخانه بر او فرمانرواست. از امیرالمؤمنین رضی الله عنه نیز حدیث است که هر کجا صاحبخانه امر کرد بنشیند.

و نیز رسول خدا ﷺ فرمود: مجلسها امانت است و جایز نیست سخن کسی را که می خواهد پوشیده بماند برای دیگران نقل کنند، مگر با اجازه او یا برای ذکر خیر او.

امام کاظم رضی الله عنه فرمود: هر گاه سه نفر در خانه ای باشند نباید دو نفر از آنها با هم در گوشی صحبت کنند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: کسی که سخن برادر مسلمانش را قطع کند مانند است که صورت او را بخراند. امام صادق رضی الله عنه فرمود: کسی که راضی شود در پائین مجلس بنشیند تا وقتی که از جایش بلند شود ملائکه بر او درود می فرستند. شیخ بهائی در مفتاح روایت کرده که از ائمه رضی الله عنهم وارد شده است که بهترین نوع نشستن، رو به قبله است.

از آداب زینده مجلس، کلام بجا و سکوت بسیار است. و از آنجا که در صورت رعایت، برکتش بسیار و در صورت ترک، پرفتن است بیشتر به آن می پردازیم.

امام سجّاد رضی الله عنه گوید: هر روز صبح اعضا، مختلف رو به زبان کرده می گویند: مراقب باش، ما بوسیله تو پاداش و کیفر می بینیم. امام

صادق علیه السلام گوید: زیانت را نگهدار تا سلامت بمانی. امام کاظم علیه السلام فرمود: زیانت را نگهدار تا عزیز شوی.

در حدیث است که مردی خدمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمد و تقاضای نصیحت کرد. حضرت سه بار فرمود: زیانت را نگهدار آیا مردم را چیزی جز زیانتان در آتش اندازد؟

امام صادق علیه السلام فرمود: در زیور است که عاقل لازم است به وضع زبان آشنا باشد، مشغول کار خود بوده و زیانتش را نگهدارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر در چیزی نحوست و شومی باشد در زبان است. گفتیم که در حدیث است که: «البلا موکل بالمنطق».

علی علیه السلام فرمود: هیچ چیز برای آنکه مدتی طولانی زندانی شود سزاوارتر از زبان نیست. مروی است که اصحاب علی علیه السلام برای آنکه زبان درکشند، سنگریزه در دهان می گذاشتند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سخن بسیار گفتن در غیر ذکر خدا قساوت قلب می آورد پس این انسان دورترین مردم از خدا است. گوئیم همین حدیث از حضرت مسیح علیه السلام نیز نقل شده است آنحضرت اضافه کرده اند: قساوت قلب دارد اما خودش نمی داند.

امام صادق علیه السلام فرمود: سخنی که سودمند نیست مگویند و سخن مفید را نیز نگهدارید تا زمان گفتنش برسد. آنحضرت فرمود: از نشانه های کمال اسلام، ترک کلام بیهوده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام بر مردی عبور کرد که سخن لغو می گفت، فرمود: ای مرد تو برای خدا نامه ای را برای محافظت امله می کنی، آنچه بی اهمیت است رها کن. همان حضرت علیه السلام می فرماید: خداوند را بندگان است که دلهایشان از خوف خدا شکسته، با آنکه فصیح اند اما سخن نگویند و با انجام کارهای نیک در نزدیک شدن به خدا بر هم پیشی گیرند.

امام سجاد علیه السلام فرمود: وای بر کسانی که گفتارشان بیشتر راجع به غیر خداوند است. حضرت رضا علیه السلام فرمود: سکوت علامت دانایی است. امام باقر علیه السلام فرمود: شیعیان ما بی زبان اند.

و شاء گوید حضرت رضا علیه السلام فرمود: هرگاه مردی از بنی اسرائیل می خواست عبادت نماید، ده سال قبل از آن سکوت اختیار می کرد. گوئیم: شاید مراد آنحضرت بی تأثیری عبادت پرگو باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ بنده ای به حقیقت ایمان نرسد تا اینکه زیانتش را حفظ کند. امام صادق علیه السلام فرمود: بنده مؤمن تا زمانی که

خاموش است از نیکوکاران نوشته شود چون لب به سخن گشود ممکن است از بدکاران نوشته شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: روزگاری خواهد آمد که سلامتی، ده جزء دارد. نه جزء آن در کناره گیری از مردم و جزء دیگرش در خاموشی است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در دروغگویی شخص همین بس که هر آنچه می شنود نقل کند.

علی علیه السلام فرمود: سکوت زیاد، شکوه و بزرگی می آورد. علی علیه السلام فرمود: ای بسا سخنی که نعمتی را از تو باز گیرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: کسی که در میان جمعی غافل و بی خبر یاد خدا می کند، همانند کسی است که در میان گروهی که از جنگ می گریزند به نبرد ادامه می دهد. سخن خیر بهتر از خاموشی است.

از امام سجاد علیه السلام پرسیدند سکوت بهتر است یا کلام؟ حضرت فرمود: هر دو آفت هایی دارند، اگر از آنها آحراز شود کلام بهتر است. پیامبران را برای کلام مبعوث کردند؛ دوستی خدا، استحقاق بهشت و دوری از آتش پروردگار، با سکوت ممکن نیست.

ابراهیم بن عباس گوید: هرگز ندیدم که حضرت رضا علیه السلام سخن کسی را قطع کند و یا کسی را با سخن آزار دهد، در حضور همنشینان هرگز پای خود را دراز نمی کرد و به چیزی تکیه نمی داد، هیچ گاه ندیدم که تنش را بخاراند و بلند بجندد بلکه خنده اش تبسم بود.

نسبت به مصافحه کردن (وست دادن) مؤمنان با یکدیگر روایات بسیاری وارد شده است. امام باقر علیه السلام فرمود: چون دو مؤمن به هم برسند و دست بدهند خداوند به آنها توجه کرده و گناهانشان مانند برگ درخت بریزد. در حدیث دیگری است که خداوند به آنها رو کند. امام صادق علیه السلام فرمود: مصافحه کنید زیرا مصافحه، کینه را از بین می برد.

امام باقر علیه السلام فرمود: چون به یکدیگر برخورد می کنید با سلام و مصافحه باشد و چون از هم جدا می شوید با طلب آمرزش باشد. مروی است که مصافحه هزار حسنه دارد و نیز مروی است که اجر جهادگران را دارد.

ابو حمزه گوید امام باقر علیه السلام چون با من دست می داد دستم را به گرمی می فشرد و نیز آنحضرت فرمود: برای مؤمن سزاوار است که چون یکی از ایشان از رفیقش به فاصله درختی نهدان و غائب شد و سپس به هم رسیدند مصافحه کنند و نیز از اسحق بن عمار از

دوم کریم و بخشنده، امام صادق علیه السلام فرمود: دوستی با او را ترک نکن گر چه عاقل نباشد، زیرا تو با خردمندی خود از کرمش بهره می‌بری.

سوم، دوستان قدیمی که در احادیث به ادامه دوستی با ایشان سفارش شده حتی آنرا از نشانه‌های ایمان شمرده‌اند.

چهارم آنکه عیب‌های تو را به تو تذکر دهد. رفیق آنست که با تو صادق باشد نه اینکه تو را تصدیق کند.

پنجم آنکه ترا در حین گرفتاری رها نسازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود اگر رهایت ساخت برادر تو نیست.

ششم: راستگو باشد و

هفتم: نماز را در وقتش بجا آورد، امام صادق علیه السلام فرمود در غیر اینصورت او را رها ساز.

هشتم: خنده‌رو.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دوستانی داشته باش خنده‌رو، تو از معاشرت با ایشان لذت می‌بری. پس با قطع رابطه، خود را از این لذت محروم مکن. اما بیش از این از آنان انتظار نداشته باش زیرا ایشان غیر از آن دوستان مورد اعتماداند که بمنزله دستان یاور تو می‌باشند و از کبریت احمر کمیات‌ترند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر کسی از شما، برادر مسلمانش را دوست دارد از نام و نسب او بپرسد که این از حقوق واجب و صدق و صفای در دوستی است و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: ظلم است که با کسی معاشرت کنی و از نام و نسب او نپرسی.

در احادیث بسیاری، تشکیل جلسه دادن و یاد کردن از خدا و انبیاء و ائمه اطهار و نیز روایات ایشان را نقل کردن و با یکدیگر مذاکره نمودن، مورد توصیه بسیار قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام فرمود: آیا شما دوستان و شیعیان با یکدیگر همنشین و گفتگو دارید؟ عرض شد: بلی. فرمود: این مجلس‌ها را دوست دارم، فضایل و سخنان ما را زنده نگهدارید خداوند رحمت کند شما را. هر که یاد ما را زنده کند یا نزد او ذکری از ما شود و او به اندازه ذره‌ای اشک از چشمش خارج شود گناهانش آمرزیده شود.

از حدیث فوق بر می‌آید که زبینه است جلسات به روضه و ذکر مصیبت مزین شوند.

امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم دوست دارم در جلساتی که برای گفتگو و مذاکره با هم تشکیل می‌دهید شرکت کنم.

حضرت صادق علیه السلام است که: نود و نه رحمت برای کسی است که رفیقش را بیشتر دوست دارد و آن یکی، سهم دیگری. و نیز **مسائله** یعنی در آغوش گرفتن یکدیگر مستحب است و حدیث است که **رحمت خداوند ایشان را فرا گیرد.**

و نیز بوسیدن گونه مؤمن مستحب است. اما نسبت به بوسیدن دست، امام صادق علیه السلام فرمود: این کار جز نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله یا وصی او شایسته نیست. در حدیث دیگری از آن حضرت است که: **پیامبر و کسی که در جای اوست.**

ابو حمزه گوید امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه مسلمانی برای دیدار یا حاجتی نزد مسلمانی برود و او در خانه باشد و اجازه ورود بخواهد و او اجازه ندهد و از خانه نیز بیرون نیاید، پیوسته به لعنت خدا گرفتار باشد تا همدیگر را ملاقات کند.

دوستان

محمد بن یزید از امام رضا علیه السلام حدیث می‌کند که هر که در راه خدا یک دوست به دست آورد خانه‌ای در بهشت به او عطا شود و نیز شیخ صدوق در مجالس از لقمان نقل کرده که به پسرش نصیحت کرده: هزار دوست انتخاب کن که هزار دوست هم کم است. این کلام در مجالس صدوق نیز از حضرت صادق علیه السلام و نیز امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است و در آن اضافه شده: هر چه می‌توانی دوستانت را زیاد کن از پیامبر صلی الله علیه و آله است که دیدار دوستان موجب آسایش مؤمن است.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: دوستانت را زیاد کن زیرا برای هر مؤمنی حق شفاعت یا دعای اجابت شده‌ای است. در حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله برادر دینی یکی از توشه‌های سفر آخرت عنوان شده است. در مجالس صدوق از امیرالمؤمنین علیه السلام است که آنکه با دیگران انس نگیرد و دیگران نیز با او انس نگیرند در او خیری نیست.

دوستی کردن با چند نفر توصیه شده است:

یکی عاقل، امام صادق علیه السلام فرمود اگر چه بخشنده نباشد ولی از عقلش بهره‌مند می‌شوی.

در مقابل باید دانست که مزاح و شوخی اندک، زیننده است. امام صادق علیه السلام به یونس بن شیبانی فرمود: شما مؤمنین شوخی را ترک مکنید زیرا نشانه خوش خلقی است و سبب خوشحالی برادران، رسول خدا (ص) با مردم شوخی می‌کرد تا خوشحال شوند. و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: شوخی مورد رضایت خداوند است مادامی که به توهین نیانجامد.

در مقابل، در بعضی احادیث از شوخی نهی بسیار شده زیرا سبب ریختن آبروی خود و دیگران است. در هر حال امام صادق علیه السلام فرمود: خنده مؤمن تبسم است و قهقهه از شیطان است و نیز حدیث است که موجب قساوت قلب است و دین را ذوب می‌کند. در حدیث است که منتظر شبیخون باشد. مروی است مردی بیکار به خنداندن مردم مشغول بود، امام سجاده علیه السلام از آنجا گذر کرد، آن مرد هر چه کرد نتوانست ایشان را بخنداند. حضرت علیه السلام گفت: روزی خواهد آمد که بیکاره‌ها ضرر می‌کنند.

در بعضی دیگر از احادیث از مجادله و نیز شوخی با آنکه دوستش می‌داری، تخریب شده است. در حدیث است که شوخی، نور ایمان را می‌برد، آبرو را می‌ریزد، مردانگی را می‌کاهد، موجب گستاخی است و عقل را کم می‌کند. از صادقین علیهم السلام است که تبسم نمودن حسنه است، اما دیگران را متبسم کردن عبادتی است که مانند ندارد.

از نکات ظریف در حفظ دوستی این است که باید حریم افراد را پاس داشت. امام صادق علیه السلام فرمود: از آنچه به تو مربوط نیست بهره‌ریز و در دوستی احتیاط بورز. و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: درباره اشخاص زیاد تحقیق مکن که بی‌دوست خواهی ماند. باید توجه داشت که دوستان نباید در پی جستن عیوب یکدیگر باشند. عیب جوئی همواره زشت و از علائم حُقم شمرده شده است. در روایات، دوستی با عیب جو نهی شده است. و نیز رفقاء باید تا حد امکان کفو یکدیگر باشند. حتی از لحاظ مالی در بنیه مشابه بسر برند؛ سفر کردن و همنشینی با آنکه از انسان بسیار ثروتمندتر است نهی شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دل را می‌میراند و نیز امام باقر علیه السلام می‌فرماید: انسان را به استخفاف نعمت‌هایی که خداوند به انسان داده است می‌کشاند.

علاوه بر آنچه ذکر شد، مجرب است که چنین دوستی‌هایی در نهایت سبب برانگیخته شدن حسادت و کینه می‌گردد، مگر اینکه فقیر، شرح

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: دیدار دوستان غنیمت است. امام باقر علیه السلام فرمود: خدا پیامرزد بنده‌ای را، که یاد ما را زنده نگه دارد به ملاقات کردن با یکدیگر و گفتگو پرداختن در نزد آنان که ثابت قدم هستند. و نیز خیشمه از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که: به خانه‌های یکدیگر درآیید و امور دین و فضایل ما را زنده کنید. امام باقر علیه السلام فرمود: گرد هم آیید و در امر دین با یکدیگر گفتگو کنید تا ملائکه برگردد شما درآیند.

مجلسی در جلد دوم بحارالانوار حدیث می‌کند که ایشان علیهم السلام فرمود: در خانه‌های هم درآیید و احادیث ما را بر هم بخوانید که این، احیاء امر ماست. و در حدیث دیگری حضرت علیه السلام فرمود: با هم ملاقات کنید و حدیث بخوانید و گرنه امر ما مندرس خواهد شد.

در هر حال این سنت حسنه باید ترویج شود تا دوستان مؤمن از آثار و برکات دنیوی و اخروی آن بهره‌مند شوند. تجربه نشان داده است که چون گرد آمدن این افراد برای خداوند است رحمت حق شامل ایشان شده، مسیر جدیدی را در زندگی آغاز می‌کنند.

در هر حال چنین مجالسی، مجلس علم است و این عنوان، ثواب و اجر آنرا چندین برابر کرده بلکه به نص روایات، بی‌نهایت می‌سازد. چنانکه در حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر آنچه در زمین و آسمان است، برای آنکه به قصد مجلس علم از خانه خارج می‌گردد، استغفار می‌کنند و برایش رحمت را خواستار می‌شوند.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: ناخوش دارم که جوان شیعه را در غیر از این دو حال ببینم: یا معلم یا متعلم. نیز مروی است که آن حضرت فرمود: اگر بدانم که جوان شیعه، تفقه در دین نمی‌کند او را با تازیانه خواهیم زد.

واضح است که آموختن معارف اعتقادی و ظرائف اخلاقی و نکته‌های فقهی بر فرد فرد مسلمانان واجب عینی است. افسوس که آموختن را ترک کرده‌اند و به آنچه که معلوم نیست مرضی حق باشد مشغول شده‌اند.

در بعضی احادیث نسبت به رعایت تعادل در دوستی سفارش شده. من جمله در کافی در ضمن نصیحت لقمان به پسرش می‌گوید: زیاد با مردم نزدیک مشو که موجب دوری از دل‌های آنان می‌شوی و یکسره از آنان دوری مکن که خوار و بی‌مقدار می‌گردد.

صدر و مناعت طبع بسیار داشته باشد. پس اگر در خود چنین علو طبعی را نمی‌بینی، با آنکه بسیار از تو ثروتمندتر است معاشرت مکن تا آخرت محفوظ بماند.

و نیز از جمله چیزهایی که در دوام دوستی مؤثر است رازداری است. امام صادق علیه السلام فرمود: از مروّت نیست که انسان آنچه را که در سفر از خوبی و بدی همسفر می‌بیند بازگو کند.

دوستان باید نه تنها از سوءظن نسبت به یکدیگر که بسیاری از اقسام آن گناه است بپرهیزند بلکه حتی نباید نسبت به یکدیگر تطییر (فال بد) بزنند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از گمان مؤمن بر حذر باشید، زیرا خداوند حق را بر زبان آنها جاری می‌کند. و نیز در احادیث بسیاری است که «تَقَالُوا بِالْخَيْرِ تَجِدُوهُ وَ لَا تَطَيَّرُوا، یعنی فال نیک بزنید، آنرا خواهید یافت اما تطییر نزنید. و نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیث است که «الطَّيْرَةُ حَقٌّ، یعنی طیره وجود دارد و مؤثر است. در بعضی تواریخ مضبوط است که چون فرستاده مشرکان در صلح حدیبیه به نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد گفت نامش سُهیل است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سهل الله لكم الامر يا مسلمين». و این تفأل به ثمر نشست و امر بر مسلمین سهل شد و مکه سرانجام بدست ایشان افتاد.

حال که به این آسانی می‌توان به خود و دیگران سود رساند چرا مؤمنین از آن غفلت کنند. در هر حال مؤمن باید همواره خوش فکر و خوش نیت باشد و با دیدی مثبت به برادران خود بنگرد و عافیت و سلامت را برای ایشان انتظار بکشد تا خود او و دیگران از این نیرویی که در نهاد او نهاده شده سود برند.

نامه نگاشتن برای دوستان موجب پیوند است امام صادق علیه السلام فرمود: پیوند میان دوستان، در حضر به دیدار یکدیگر رفتن و در سفر به نامه نوشتن است. و نیز آنحضرت فرمود: جواب دادن به نامه مانند جواب دادن به سلام واجب است. آنگونه که اهل بیت علیهم السلام دستور داده‌اند نامه را باید با نام خداوند آغاز کرد و هر جا که لازم است در آن «انشاء الله» نوشت.

بدان که دوستان بر هم حقوقی دارند که رعایتش لازم است. امام باقر علیه السلام فرمود: از جمله حقوق مؤمن بر برادرش این است که در وقت گرسنگی سیرش سازد، او را ببوشاند، از گرفتاریها نجاتش دهد، قرضش را ادا کند و چون بمیرد نسبت به خانواده و فرزندانش جانشینی کند.

امام صادق علیه السلام به مُعَلَّى بن خُنَيس فرمود: آسانترین حقوق این است که آنچه را برای خودت دوست می‌داری برای او نیز دوست بداری، از غضب او دوری و از رضایتش پیروی کنی و فرمانبردار امر او باشی، با جان و مال و زبان و دست و پایاری اش کنی، چشم و راهنما و آئینه او باشی، دعوتش را بپذیری، از او عیادت کنی و بر جنازه اش حاضر شوی، در انجام حاجت آنگونه پیش دستی کنی که نیاز به ابراز حاجت نباشد، اگر چیزی خواست عطا کنی، تو نیز اگر حاجتی داشتی از او یاری بخواهی، اگر امش نمایی و از او تجلیل کنی، اگر تو را نکوهش کرد از او جدا نشوی تا کینه را از او بزدایی، اگر خیری به او رسید خدا را شکر کنی، در برابر ظالم یاریش نمایی، چون بمیرد به زیارت قبرش روی.

و نیز آنحضرت فرمود: عیوب او را ببوشانی، در مال خود با او مواسات کنی، پس از مرگ جز خوبی از او نگوئی، حرف او را قطع مکنی، زشتی‌ها را از دور کنی، هیچ خبری را از او پنهان نداری، حقش را به گردن بگیری، از لغزش او چشم‌پوشی و عذرش را بپذیری، خیر خواهش باشی، عهد و پیماننش را مراعات کنی، هدیه اش را قبول کنی و آنرا جبران نمایی، کلامش را خوب تلقی کنی، بخشش او را ارج نهی، دوست او را دوست داشته باشی، از ستم کردن بازش داری و اگر مظلوم بود یاریش کنی، گرفتارش نکنی و خوارش نسازی.

امیرالمؤمنین علیه السلام گوید از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: هر یک از شما اگر چیزی از حقوق برادرش را به جای نیاورد روز قیامت از او مطالبه می‌شود.

آنچه گفته شد حقوق اولیه و واجب بود چنانکه آبان گوید به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم از حق مؤمن برایم بگوئید. حضرت فرمود: این موضوع را رها کن و از من مخواه، سپس اصرار بسیار کردم تا آنحضرت فرمود: مال خود را با او نصف کن. و چون آثار وحشت در چهره من دید فرمود: اگر چنین کنی ایثارگر نخواهی بود بلکه اگر از نیمه خود نیز به او دهی اهل ایثار هستی.

گوئیم: ایثار از بلندترین قله‌های مکارم اخلاق است که به شکار همه‌کس در نیاید. و **یؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون**، و جای توجه است که قرآن تنها اینان را رستگاران واقعی خوانده. در پایان یکی از احادیث حقوق مؤمنان، حضرت صادق علیه السلام ضمن بر شمردن حقوق در پایان

پدید آید که تا روز قیامت مسدود نمی‌شود. و دانشجوی علوم دینی را هفتاد هزار فرشته از مقربان، بدرقه کنند.

مراد از علم در لسان کتاب و سنت آن چیز است که خداوند با آن شناخته و اطاعت می‌شود: «ما یطاع الله به و یعرف».

همسایگان

در دین اسلام نسبت به همسایگان سفارش بسیار شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ایمان ندارد کسی که همسایه‌اش از ظلم او در امان نباشد. و نیز رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمود: همسایه به منزله خود انسان است که نباید زیانی به او برسد و احترام همسایه به همسایه مانند احترام به مادر است. و نیز رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل پیوسته مرا نسبت به همسایه سفارش می‌کرد به طوریکه گمان کردم همسایه ارث می‌برد.

امام رضا علیه السلام می‌فرمود: آنکه همسایه‌اش از ظلم او در امان نباشد از ما نیست. و نیز به اسناد مختلف از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که مسلمان کسی است که سایر مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند. امام صادق علیه السلام فرمود: خوشرفتاری با همسایه خانه‌ها را آباد، روزی را زیاد و مرگ را به تأخیر می‌اندازد.

کاهلی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که: زمانی که بنیامین نیز از مصر بازنگشت، یعقوب ندا کرد خدایا به من رحم نمی‌کنی، بینایی مرا گرفتی و دو فرزندم یوسف و بنیامین را بردی. خداوند به او وحی کرد: به یاد آور گوسفندی را که کشتی و بریان نمودی و خوردی، همسایه تو روزه‌دار بود و از آن گوسفند هیچ به او ندادی. و نیز حدیث است که یعقوب اهل جود و کرم بود، اما شی یکی از پیامبران خدا برای طلب طعام به در خانه او آمد. اهل خانه طعامی به او ندادند و یعقوب را نیز با خبر نکردند تا آن پیامبر از شدت ضعف از حال رفت، آن شب به یعقوب وحی شد: به نبوت برگزیدمت و نعمت بسیار به تو دادم. آیا سزاوار است که پیامبری از پیامبرانم بر در سرای تو از گرسنگی از حال برود و تو او را در نیایی؟ اکنون خود را برای خشم من مهیا کن. یعقوب سراسیمه از خواب بیدار شد و گریه بسیار کرد، همان شب یوسف در خواب دید که ماه و خورشید و یازده ستاره او را سجده می‌کنند و داستان غم‌انگیز یوسف از اینجا آغاز گشت.

می‌فرمایند: وقتی این حقوق را رعایت کردی دوستی خود را به محبت ما رسانیده‌ای و دوستی ما را به دوستی خداوند پیوند داده‌ای.

از اموری که باعث استحکام دوستی است عفو و بخشش و نادیده گرفتن است. امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین بنده از درگاه خداوند کسی است که در حال دوستی و برادری با دیگران لغزشهای وی را به خاطر بسپارد تا روزی او را بر آن لغزشها سرزنش کند. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: در جستجوی عیوب دیگران نباشید که خداوند در جستجوی عیب‌های شما خواهد بود.

و نیز از سرزنش کردن نهی شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که مؤمنی را به خاطر گناهی سرزنش کند، نمیرد تا خود به آن گناه مبتلا شود. و نیز آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: هر که مؤمنی را ملامت کند در دنیا و آخرت ملامت شود.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که رفتار با برادر دینی، یعنی دوستی که انسان برای خدا او را برگزیده، باید لطیف‌تر و ظریف‌تر از رفتار با سایر مردم باشد. چنانکه حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: هر که با برادر دینی خود مانند بقیه مردم رفتار کند از مذهب حق بیزار و برکنار است.

در تنمّه احادیث مربوط به دوست به ذکر چند حدیث در تأکید رعایت حق عالم می‌پردازیم، زیرا عالم دوستی است که باید قدرش را شناخت و حقوقش را پاس داشت و الا دست انسان از او کوتاه خواهد شد.

علی علیه السلام فرمود: از حقوق عالم است که بیش از حد از او نپرسی، در حضور جمع، او را به سلام ویژه‌ای امتیاز دهی، احترامش را رعایت کنی. در مخالفت با گفتارش مگو که فلاتی این طور گفت و فلاتی آن طور، از بسیار نشستن با او خسته شو، زیرا دانشمند به منزله درخت خرماست، منتظر باش تا در موقعش از وجود او بهره‌مند گردی. اجر عالم بیشتر است از آنها که روزها روزه گرفته شبها به عبادت برخیزند و در راه خدا جهاد کنند.

و نیز همان حضرت علیه السلام در حدیث دیگری فرمود: در پاسخ بر او پیشی نگیر، چون روگرداند اصرار موز، در مجلس با او درگوشی صحبت نکن، از عیوبش جستجو مکن، و رازش را آشکار نکن، نزد او از کسی غیبت ننما، در غیابش نیز احترام او را نگهدار، در برآوردن حاجاتش از دیگران سبقت گیر. چون عالمی بمیرد شکافی در اسلام

۱- لطافت یا خوشخویی عبارتست از اینکه آنگونه با دیگران معاشرت کنیم که از معاشرت با ما خرسند باشند، همانگونه که ما دوست می‌داریم با ما رفتار نمایند.

امام باقر علیه السلام فرمود: با ایمانترین مردم خوشخوترین آنهاست. امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز در هر کس باشد ایمانش کامل است و اگر از سر تا پا گناه باشد آسیبی به او نرسد، آنها عبارتند از راستگویی، ادای امانت، شرم و خوشخویی. و نیز آنحضرت فرمود: برای شخص خوشخو اجری مانند اجر روزه‌دار و شب زنده‌دار است. در حدیث دیگری است که گناهان را ذوب می‌کند.

عَنْبَسَه عابد از حضرت صادق علیه السلام حدیث کرد که آنحضرت فرمود: مردم را از لحاظ خُلق در وسعت گذار. بحر بن کثیر گوید از آنحضرت علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خوش خلقی مایه آسانی امور، آبادی خانه‌ها و زیادی عمر است.

امام سجاد علیه السلام فرمود: از میزان اعمال چیزی بهتر از خوش خلقی نیست و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اولین چیزی است که سنجیده می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: تا می‌توانی با کسانی معاشرت کن که نفع تو به آنها برسد، زیرا گاهی بنده در عبادت کوتاهی می‌کند ولی اخلاص نیکوست و به همین سبب خداوند او را به درجه روزه‌دار شب زنده‌دار می‌رساند. در حدیث دیگری است که درجه جهاد کننده در راه خدا را دارد. امام رضا علیه السلام فرمود: خوشخو ناگزیر جایش در بهشت است. همان حضرت در حدیث دیگری فرمود: بهترین وسیله برای ورود به بهشت است.

در روایتی از حضرت رضا علیه السلام خوشخویی به مهربانی تفسیر شده است، آنحضرت فرمود: خوشخونی نسبت به خانواده مهمتر است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نیمی از دین است و بهترین نعمت است؛ و نیز آنحضرت فرمود: کاملترین مؤمنین از حیث ایمان خوشخوترین آنهاست و بهترین شما کسی است که با همسرش بهترین رفتار را داشته باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: خوشخویی، بخشش خداوند به مخلوقات است. برخی از آن فطری است یعنی شخص جز آن نمی‌تواند انجام دهد، برخی از آن نیز با اراده محقق می‌شود. این قسم تحققش صبر و سختی می‌طلبد، پس این قسم بهتر است.

گوئیم خوشخوئی، سبب مردم داری و رفت و آمد با مردم می‌گردد که خود مورد تشویق دین قرار گرفته است. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: برترین

دقت در این حدیث خواننده را متوجه آثار وضعی بزرگ بعضی از اعمال بظاهر کوچک می‌کند، گر چه یعقوب گناهکار نبود اما تقدیرش بدین سختی رقم خورد.

در حدیث است که چهل خانه از هر طرف، همسایه محسوب شده حق همسایگی را نسبت به ایشان باید پاس داشت. حتی در حدیث امام باقر علیه السلام است که: اگر در منطقه‌ای یک نفر شبی را گرسنه بخوابد، خداوند در روز قیامت به اهل آن منطقه نظر نمی‌کند.

عسر

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرموده است: از جمله حقوق مسافر بر همراهانش این است که اگر مریض شود سه روز برای او توقف کنند.

امام صادق علیه السلام از پدران نقل کرده است که امیرالمؤمنین علیه السلام با مردی ذمی، همسفر شد. چون به دو راهی رسیدند، امیرالمؤمنین راه را به سمت کوفه کج نکرد بلکه بقدری با او رفت. ذمی پرسید: مگر قصد کوفه نداشتی؟ حضرت فرمود: دستور پیامبر ماست که انسان هنگام جدا شدن از همسفرش چند قدمی بدرقه‌اش کند. این نشانه حسن رفاقت است، در دنباله حدیث آمده است که آن ذمی به همین جهت اسلام آورد.

امام عسگری علیه السلام فرمود: چون جعفر بن ابیطالب از حبشه بازگشت، پیامبر بسویش شعافت و به اندازه دوازده قدم از او استقبال کرد، پیشانیش را بوسید و با دیدن او اشک شادی ریخت.

لطافت - صداقت - رحمت

اکثر عناوین اخلاقی ریشه در این سه عنوان دارند.

او خود خوب است. او در جستجوی آن نیست که او را بپذیرند، او خود را در نزد وجدانش یافته است.

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم را به نیکی دعوت کنید به غیر زیانتان، آنها باید از شما تلاش در امور خیر و صداقت و پرهیزکاری ببینند. عمر بن ابی مقوام گوید: نخستین بار که خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم فرمود: پیش از کلام، صداقت را بیاموز.

امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: نخستین کسی که صادق را تصدیق می کند خداوند است، همانگونه که خود او خویشتن را تصدیق می کند. ربیع بن سعد گوید امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای ربیع آنچه صادق باش که خداوند ترا در صدیقین بنویسد.

از فروع صداقت، صدق وعده است. امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرمود: کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد باید به وعده‌ای که می دهد وفا کند. هشام بن سالم از آن حضرت نقل کرده که: اگر خُلف وعده کند با خداوند کرده، چنانچه خداوند می فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا به زبان چیزی می گوید که عمل نمی کنید" مروی است رسول اکرم صلی الله علیه و آله کنار تخته سنگی به مردی وعده داد و فرمود: من این جا منتظر تو هستم تا برگردی. تابش آفتاب بر حضرت شدید شد، اصحاب گفتند به سایه تشریف ببرید. فرمود: من در همین جا به آن شخص وعده داده‌ام و اگر نیاید در روز رستاخیز باید جوابگو باشد.

و نیز از فروع صداقت، یکره و یک زبان بودن است. امام باقر علیه السلام فرمود: چه بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که دارای دو رو و دو زبان باشد. برادر همکیش خود را در حضورش ستایش و در غیابش از وی غیبت کند، اگر ثروتی یا موقعیتی نصیب برادرش شود به او حسد برد و چون گرفتار شود یاریش نکند.

۲- رحمت که منشأ بخشش، عفو و احسان و نیکی به دیگران است. آنگونه که دوست می داریم با ما رفتار کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همدیگر را عفو کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند. مروی است آن زن یهودی را، که طعام پیامبر را زهر آگین کرده بود به خدمت پیامبر آوردند، از او پرسیدند: چرا چنین کردی؟ گفت: با خود گفتم اگر براستی پیامبر باشد زهر او را ضرری نرساند و اگر

امت من خوشخوترین و بخشنده‌ترین ایشان است. آنها که با مردم انس می گیرند و دیگران با آنان مانوس می شوند و با مردم رفت و آمد دارند. امام صادق علیه السلام فرمود: آنکه انس نگیرد و با او انس نگیرند خیری در او نیست.

ابوالبختری می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می گفت: نرمخو باشید چونان شتر رام، که اگر بر روی سنگ خوابانده شود می خوابد. و نیز آنحضرت فرمود: نشانه نرمخویی، آسان گیری است و ملائمت. امام صادق علیه السلام فرمود: ملاک خوش اخلاقی، فروتنی است و خوش سخنی و دیدار با برادرت با چهره باز.

امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز است که اگر کسی یکی از آنها را برای خداوند انجام دهد بهشت بر او واجب می شود: انفاق در فقر، خوشرویی با همه مردم و رعایت انصاف نسبت به دیگران. موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: خوشرویی کینه را از بین می برد.

از مصادیق لطافت، حیا است. چه زیباست سکوت پیامبر در حالیکه هر روز عده‌ای ناخوانده خود را به خانه او دعوت کرده ساعت‌ها به گفتگو نشسته، آمدن سفره غذا را به انتظار می کشند. پیامبر اذیت می شود اما حیا ورزیده تحمل می نماید، مبدا دلی بشکند.

صاحب صفت حیا، محبوب است و ترسان. ترسان از شکستن حریم دیگران و آزردن خاطرشان. چه این حریم، حریم خدا باشد و چه این خاطر خاطر بندگان او. امام صادق علیه السلام فرمود: حیا بخشی از ایمان است و ایمان وسیله رفتن به بهشت. همان حضرت فرمود: کسی که حیا ندارد ایمان ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که چهار خصلت داشته باشد اگر از سر تا پا غرق گناه باشد خداوند گناهانش را مبدل به حسنات گرداند: راستگویی، داشتن حیا، خوش خلقی، سپاسگزاری. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حیا همه اش خیر و نیکی است. علی علیه السلام فرمود:

حیا، دیندار و بی دین را از کارهای زشت باز می دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر خداوند حیا را از بنده اش بگیرد، در آن صورت بنده دشمن خدا می شود. با رفتن حیا، ایمان نیز می رود و او به شیطانی دور از رحمت خداوند مبدل می گردد.

صداقت: راستگویی یا صداقت تنها دروغ نگفتن نیست، صادق آن کسی است که همچنانکه ظاهرش از گفتار و کردار زیباست، درونش نیز زینده باشد. او در جستجوی آن نیست که دیگران خویش بدانند،

سجاد علیه السلام فرمود: اگر کسی در سمت راست تو بایستد و تو را دشنام دهد آنگاه به سمت چپ تو آید و عذرخواهی کند عذرش را بپذیر.

و نیز از مصادیق رحمت، لطف و محبت نسبت به مردمان است. امام صادق علیه السلام فرمود: در راه خدا با یکدیگر دوستی نمایید و به یکدیگر مهرورزی و محبت کنید و چنانکه خداوند می فرماید "رحماء بینهم" باشید. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند پیامزد کسی را که بین دو دوست ما الفت برقرار می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: خداوند مهربان است و مهربانان را دوست دارد.

در برابر، قهر و رنجش از مؤمن نیز مورد نهی قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام فرمود: بیش از سه روز قهر و جدایی جائز نیست و نیز آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: در قهر هیچ گونه خیری نیست. مفضل از امام صادق علیه السلام حدیث کرد که حتی آنکه مظلوم است مورد لعن خداوند است، که چرا برادرش را گرچه جفا کار است به آشتی دعوت نکرده و حرفهای او را نادیده نگرفته. امام باقر علیه السلام می فرمود: مظلوم باید به نزد تقصیر کار رود و بگوید ای برادر، من مقصر هستم، تا قهر و جدایی بین آنها از میان برود. همانا خداوند، حکیم و عادل است و داد مظلوم را از ظالم می ستاند.

همچنین صلح واجب و قطع آن حرام است. امام صادق علیه السلام فرمود به ایشان وصل کن، گرچه بر مذهب حق نباشند. مروی است عده ای از اهل مدینه به نزد حضرت رضا علیه السلام آمده عرض کردند که بعضی از اهل بیت شما مرتکب عمل زشت و ناصالح (بد حجابی) می شوند، ایشان را نهی کنید. حضرت علیه السلام فرمود: این کار را نخواهم کرد زیرا نصیحت خشن است. مرحوم حرّ عاملی این حدیث را در زمره احادیث نهی از منکر آورده و آنرا حمل بر حال عدم تأثیر یا وجود مفسده کرده است. عنبسه گوید کسی نزد امام صادق علیه السلام آمد و از خویشاوندان گله کرد که آنها هر چه می خواهند می کنند. حضرت فرمود: خشم را فرو نشان و تو مانند آنها مباش که قاطع رحم هستند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در انجام خواسته های خویشاوندانش قدم بردارد خداوند پاداش صد شهید به او عطا فرماید و اگر از وی چیزی بخواهند و او با جان و مال، خواسته خویشاوندان را بر آورده کند برای هر قدمش حسنات بسیار است و مقامش بسیار بالا رود، مثل اینکه صد سال خداوند را عبادت کرده و هر که برای فساد بین خویشاوندان

دروغگو باشد مردم را از دستش راحت کرده ام. پیامبر صلی الله علیه و آله آن زن را بخشید.

امام رضا علیه السلام فرمود: عفو کن و حتی سرزنش هم مکن این است معنی آیه "فاصفح الصّحّ الجمیل" پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنانکه در دنیا نادانسان خواندند و آنها تحمل کردند، به آنها بدی نمودند و آنها عفو کردند، بدون حساب به بهشت در آیند. و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مکارم اخلاق عبارتند از عفو از کسی که بتو ستم کرده، پیوستن به آنکه از تو بریده، نیکی به آنکه به تو بدی کرده و عطا به آنکه محروم ساخته. گوئیم اینها همه منشأشان صفت رحمت است.

مروی است که موسی بن جعفر علیه السلام با آنکه می دانست پسر برادرش محمد بن اسماعیل برای سعایت او به بغداد می رود، به او سیم و زر بسیار داد و به او گفت: در خون من شریک مشو. حضرت را گفتند: چرا چنین به او انعام کردید؟ فرمود: تا حجت را بر او تمام کنم که در برابر قطع رحمش، به او صلح کرده ام.

و نیز فروخورن خشم که لازمه یا مقدمه عفو است، بسیار مورد توصیه قرار گرفته، ثواب های عظیمی برای آن بشارت داده شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: محبوبترین راه بنده بسوی خداوند نوشیدن دو جرعه است، جرعه خشمی که با خویشتن داری از آن جلوگیری کنی و جرعه مصیبتی که با شکیبایی خود بازگردانی.

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای خشمش را فرو نخورد، جز آنکه خداوند در دنیا و آخرت به عزتش بیافزاید. و آنحضرت فرمود: خداوند قلب او را از رضای خود پرمی کند. در حدیث دیگر است که دلش را از آرامش و ایمان پرمی کند بطوریکه مزه آنرا می چشد. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که اجر شهید دارد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون این کار عظیم است پاداشی عظیم نیز در پی دارد. امام باقر علیه السلام فرمود: هر که از ریختن آبروی مردم خودداری کند خداوند در روز قیامت وی را عفو فرماید و هر که خشم خود را از مردم منع کند و جلو خشم خود را بگیرد عذاب روز رستاخیز را از او باز دارد.

پذیرش عذر نیز از مصادیق رحمت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر که عذر عذرخواهی را نپذیرد، چه راست و چه دروغ، به شفاعت من نمی رسد. همین معنا از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز روایت شده است. امام

و قطع رحم از آنها قدم بردارد خداوند بر او غضبناک شود و در دنیا و آخرت بر او لعنت فرستد.

زشتی‌ها

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از مجادله و ستیزه جوئی بپرهیزید زیرا آنها دل‌های برادران را بیمار کند و سبب نفاق شود.

امام صادق علیه السلام: از دشمنی با یکدیگر بپرهیزید زیرا خصومت، دل را مشغول کند و موجب نفاق شود و کینه‌ها پدید آورد و نیز آنحضرت فرمود: خصومت موجب آزار و غرامت است و عیوب نهفته را آشکار کند و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آخرین سفارش جبرئیل هرگاه که بر من نازل می‌شد این بود که ای محمد، از خصومت با مردم بپرهیز.

حتی برخی علمای اخلاق گفته‌اند تنها در صورتی خصومت جائز است که انسان بالفعل به آنچه بر سر آن محاصمه می‌کند نیازمند باشد، بطوریکه با نبود آن معشیت او به حرج افتاده باشد. اما اینکه مالی از انسان خورده‌اند که بالفعل مدخلیتی در معشیت انسان ندارد، یا به او توهینی کرده‌اند و او به آن واسطه تحقیر شده است، محاصمه در هیچ یک مورد رضای خداوند و پیامبر نیست. چه رسد به محاصماتی که تنها بواسطه اوهام دو طرف رخ می‌دهد: خوفی که از هم دارند یا امیدهایی که به فرجام نرسیده است. قطعاً محاصمه در چنین مواردی حرام و خلاف شریعت است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که مسلمان باشد مکر و حيله نمی‌کند. از جبرئیل شنیدم که می‌گفت مکر و فریب سبب ورود در آتشند. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند برای پلیدیها قفل‌هایی قرار داده و شراب را کلید آنها قرار داده، و دروغ بدتر از شراب است. امام رضا علیه السلام فرمود از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد ممکن است مؤمن ترسو باشد؟ فرمود آری، عرض شد آیا بخیل می‌شود؟ فرمود: آری. عرض شد ممکن است دروغگو باشد؟ فرمود: نه.

علی علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نچشد مگر اینکه دروغ را ترک کند، چه شوخی باشد و چه جدی. و نیز آنحضرت فرمود: دروغ چه شوخی باشد چه جدی سزاوار نیست. شایسته نیست یکی از

شما به بچه‌اش وعده‌ای بدهد که بعداً به آن عمل نمی‌کند. زیرا دروغ به فساد می‌کشد و فساد به آتش.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: اگر در مجلسی سخن لغوی بگویی تا دیگران را بخندانی به جهنمی که بین آسمان و زمین است افکنده می‌شوی. پس وای بر کسی که دروغ بگوید تا آنان را بخنداند.

امام صادق علیه السلام فرمود: سخنی به سه گونه است، راست، دروغ و اصلاح بین مردم. یعنی اینکه از کسی درباره شخصی دیگر سخن می‌شنوی که اگر آن سخن به او برسد رنجیده شود. پس تو او را دیدار کرده و بر خلاف آنچه شنیده‌ای، بگویی: از فلاتی درباره خوبی تو چنین و چنان شنیدم. علی علیه السلام فرمود: بیش از علمت سخن مگویی و در سخن گفتن راجع به دیگران از خداوند پروا داشته باش.

از نکات بسیار پر اهمیت در اخلاق اجتماعی، پرهیز از آزدن دیگران است. حدیث قدسی است که خداوند عزوجل فرمود: آنکه بنده مؤمن مرا بیازارد به من اعلان جنگ دهد و هر که بنده مؤمن مرا اکرام نماید از خشم و غضب من آسوده خاطر باشد.

و نیز حدیث است که چون روز قیامت شود منادی از جانب خداوند فریاد برآورد: آنان که از دوستان من روگردانده بودند کجایند؟ گروهی بر می‌خیزند که رخسارشان گوشت ندارد، گفته می‌شود اینان کسانی‌اند که به مؤمنین آزار رسانده و با آنان دشمنی و عناد ورزیده‌اند، و در امور دینی آنها را با تندی، سرزنش کرده‌اند.

حدیث قدسی است که خداوند در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای محمد هر که به یکی از دوستان من اهانت کند آشکارا به جنگ من برخاسته و من به یاری دوستانم از همه شتابانترم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که به فقیری بی‌اعتنایی کند به حقوق الهی بی‌اعتنایی کرده است و خداوند روز قیامت به او بی‌اعتنایی کند. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که مؤمنی را خوار شمارد، خداوند خوارش شمارد. علی علیه السلام فرمود: بر مسلمان شایسته نیست که مسلمانی را به وحشت اندازد. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که مؤمنی را سبک شمارد حرمت خدا را ضایع نموده است.

از گناهان بسیار زشت، غیبت است. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که در مورد مؤمنی آنچه را که دیده و یا شنیده برای دیگران بازگو کند جزو کسانی است که خدای عزوجل درباره آنها فرمود: "آنان که می‌خواهند درباره مؤمنین عمل زشتی را اشاعه دهند برای آنان عذاب دردناک است".

ای موسی من سخن چینی را بر او عیب می‌گیرم ولی تو مرا مکلف به سخن چینی می‌کنی؟

علاوه بر غیبت، افشاء اسرار دیگران نیز بسیار زشت و ناپسند است. و در احادیث به کشف عورات آنها تشبیه شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: آنکه اسرار مردم را برملا می‌سازد خداوند از ولایت خود خارجش کند و شیطان نیز او را به ولایت خویش نپذیرد. مروی است آنکه سخن شخصی را افشاء کند و سخن بر زبانها بچرخد تا سرانجام سبب قتل آن شخص شود، در خون آن شخص شریک است.

مروی است که چون مائده بر عیسی بن مریم علیها السلام نازل شد به حواریون گفت: بدون اجازه من از مائده نخورید. اما یکی از ایشان از مائده خورد. دیگران به عیسی گفتند: یا روح الله فلائی از مائده خورد. عیسی از وی پرسید: آیا تو از مائده خوردی؟ گفت: نه. حواریون گفتند: چرا یا روح الله به خدا قسم وی از مائده خورد، حضرت عیسی علیه السلام فرمود: برادرت را تصدیق و چشمت را تکذیب کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای اباذر گفتارها در انجمن، امانت است و انتشار دادن آن، خیانت. از سینات، طعنه زدن بر مردمان و سرزنش کردن ایشان است. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند مؤمنان را از پرتو عظمت و شکوه و بزرگواری خویش آفریده و هر که آنان را طعنه زند و یا عقیده‌شان را مردود شمارد بی‌شک خداوند را رد کرده است و چنین شخصی از فضل الهی بی‌بهره باشد و این کار یکی از دامهای شیطان است.

امام باقر علیه السلام فرمود: هر که رو در روی مؤمن به او طعن زند با بدترین مرگها خواهد مرد و سزاوار است که به خیر و سعادت باز نگردد.

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که لمن از دهان گوینده‌اش بیرون آید بین گوینده و لمن شونده در هوا مردد می‌ماند، اگر لمن شونده را سزاوار یافت، بر او فرود آید و الا به گوینده‌اش باز گردد و گوینده به آن سزاوارتر است. بنابراین از لمن کردن مؤمن بپرهیزید زیرا به خودتان باز می‌گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که به مؤمن بگونه‌ای بنگرد که وی را بترساند، خداوند او را بترساند.

لازم به تذکر است که بسیاری از سیئات که ذکر شد، بجا آوردن آنها نه تنها نسبت به مؤمنین بلکه نسبت به تمامی انسانها زشت و ناپسند است. اما آثار و عواقب آنها وقتی که به مؤمنین که دوستان و نزدیکان خداونداند باز گردد، وخیم‌تر و شدیدتر است. همچنانکه کشتن

و نیز ابوذر گوید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: غیبت از زنا بدتر است. ابوذر گوید عرض کردم غیبت چیست؟ یا رسول الله، حضرت (ص) فرمود: درباره برادرت چیزی بگویی که او خوش ندارد. و نیز آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: بهشت بر غیبت‌کننده حرام است.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس غیبت برادر دینی‌اش را در مجلسی بشنود و از او دفاع کند و غیبت را رد نماید خداوند هزار نوع شر را در دنیا و آخرت از او دفع می‌کند و اگر قوت دفع داشته باشد ولی از وی دفاع نکند کیفر گناهش هفتاد برابر گناه غیبت‌کننده خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: غیبت عبارت است از گفتن چیزی درباره برادر دینی که خدا آن را پوشیده نگه داشته است و اگر چیزی را که در او وجود ندارد به او نسبت دهی بهتان بشمار آید. امیرالمؤمنین علیه السلام به نوف بکالی فرمود: ای نوف کسی که به وسیله غیبت کردن گوشت مردم را بخورد به دروغ گمان کرده که حلال زاده است.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا آگاه نکند شما را به چیزی که از زنا هم بدتر است. آن عبارت است از این که شخص از برادرش بدگویی کند. امام صادق علیه السلام فرمود: کسی را که با چشم ندیده‌ای مرتکب گناه شود و در نزد تو دو نفر علیه او گواهی نداده‌اند، چنین شخصی عادل است، هر که از او غیبت کند از دوستی خدا خارج و جزء دوستان شیطان است. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که، از مؤمن، با صفاتی که در او هست غیبت کند خداوند در بهشت هرگز آنها را در یک جمع نکند و اگر از او با صفاتی که در او نیست غیبت کند (یعنی تهمت بزند)، غیبت‌کننده در آتش است. در حدیث است که غیبت‌کننده باید از برادرش حلالیت بطلبد و نیز هر گاه که او را به یاد آورد برایش از خداوند طلب غفران کند.

و نیز رد کردن غیبت، واجب است و موجب برکت بسیار. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله به اباذر فرمود: هر که در نزد او از برادر مؤمنش غیبت شود و او توانایی یاری‌اش را داشته باشد و او را یاری کند، خداوند در دنیا و آخرت یاری‌اش فرماید و هر گاه در حال قدرت بریاری او، کمکش نکند و خوارش دارد خداوند در دنیا و آخرت او را خوار گرداند.

تمام آنچه نسبت به غیبت گفته شد نسبت به سخن چینی نیز هست. به علاوه عذاب مستقل که در قبر و قیامت بر او وبال است و در حدیث است که او هرگز به بهشت نخواهد رفت. مروی است که خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد که یکی از یارانت سخن چین است، از او بپرهیز. موسی عرض کرد: خدایا او را به من بشناسان. خطاب شد

يك انسان ناپسندتر از كشتن يك حيوان و آن ناپسندتر از كندن برگي از درخت و آن ناپسندتر از خرد كردن يك سنگ به گزاف است. و اين اختلاف در درجه ناپسندی، به ميزان وجود و شعوری است كه نسبت به آن ظلم صورت گرفته. به همین نسبت توهين به پیامبر خدا به مراتب آثار مخرب تری دارد از توهين به يك عالم و آن بیش از توهين به يك مؤمن عامی و آن بیش از توهين به يك مؤمن فاسق و آن بیش از توهين به يك مستضعف و آن بیش از توهين به يك كافر، و بیش از آن سبب سلب توفيق و نكبت است. اين تفاوت درجه، بدليل تفاوت قرب اين افراد است نسبت به خداوند كه منشأ همه کمالات و نيكوئیهاست. توهين كردن همیشه و همه جا زشت و ناپسند است و در هيچ يك از صفحات تاريخ زندگي مردان خدا- چه رسد به انبياء- نمی يابيم كه حتی به دشمنان خدا اهانت کرده باشند؛ گر چه با آنها جنگيده اند. قرآن نیز مسلمين را از دشنام دادن، حتی به بتها نهی می کند. آری فعل قبيح، زينده مردان پاك نيست به هر قصد يا هدفی كه بخواهد باشد.

«رسول الله ﷺ: إِيُّ بُعِثْتُ لِمَا تَمَّ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ»